

تفسیر فرات کوفی

مریم قبادی*

چکیده

از ویژگی‌های مطالعات و پژوهش‌های دوران معاصر در حوزه علوم اسلامی، بازنگری موارث کهن، از سده‌های نخستین است. از نتایج این نوع نگاه، زدن مهر تأیید بر ریشه‌دار بودن هویت فکری و اعتقادی شیعه، بازشناسی خلأها و کاستی‌ها برای جبران و تدارک آنها و سرانجام برداشتن گامی بلند در جهت گسترش، عمق بخشیدن و غنی‌سازی این مطالعات در سطوح و لایه‌های مختلف است.

از جمله این آثار در گستره علوم قرآنی و حدیثی، تفسیری است متعلق به قرن سوم و سال‌های آغازین قرن چهارم، با عنوان تفسیر فرات کوفی که غالب روایات آن، تأویلی (از نوع تطبیق و جری) است؛ اگرچه شمار اندکی از روایات، حاوی تفسیر باطنی یا ناظر به سبب نزول و یا برخی گزارش‌های تاریخی غیر مرتبط با آیات‌اند.

به‌رغم ناشناس بودن و همچنان ناشناس ماندن فرات، به استناد نوع روایات مندرج در کتابش، می‌توان او را یک شیعه زیدی با گرایش عرفانی به شمار آورد.

هر چند تفسیر فرات هم‌بسان اغلب کتاب‌های روایی از آسیب وضع و جعل مصون نمانده است، شمار این نوع روایات چندان فراگیر نیست. البته وجود برخی ضعف‌ها در لابلاي روایات کتمان‌ناپذیر است؛ اما این موارد، از اعتبار و ارزش بسیاری دیگر از روایات آن نمی‌کاهد.

سخن آخر اینکه چه بسا علت فراگیر نشدن این کتاب، نه وجود برخی ضعف‌ها در آن، بلکه بیشتر به دلیل روایاتی است که مخاطبانی عام نداشته است و به اشاره معصوم علیه السلام می‌نایست مکتوم و سر به مهر می‌ماند؛ جز برای اهل سر.

کلید واژه‌ها: فرات کوفی، کوفه، غلو، زیدیه، تفسیر مائور، تأویل، جری.

مقدمه

ابوالقاسم (ر.ک): فضل زیارة الحسين عليه السلام، ص ۵۰ و ۸۳. این کتبه دو بار در این کتاب آمده است) فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی،^۱ از محدثان و مفسران نیمه دوم سده سوم هجری و دهه نخست قرن چهارم است. از فرات، در منابع رجالی متقدمان ذکری به میان نیامده و به اصطلاح عالمان حدیث، وی از راویان مهمل به‌شمار است. بعید نیست عامل گمنامی فرات، شرایط خاص کوفه (فرقه‌گرایی‌ها، درگیری‌ها، دوری از امامان - علیه‌السلام - و...)، موانع بیرونی و فشارهای وارد بر شیعه و شرایط عام آن مقطع (فقدان امکانات، سختی برقراری ارتباط شیعیان با یکدیگر و حاکمیت جو عدم اعتماد و...) باشد؛ گرچه امکان اتخاذ آگاهانه موضع گمنامی، پنهان‌کاری و کتمان نیز بعید نیست.

به هر روی، به استناد گزینش نوع خاصی از روایات (تطبیق برخی آیات قرآن بر اهل بیت) فرات از جمله عالمانی است که در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام پرورش یافته و از نخستین مفسرانی است که با درک عمیق از میزان اهمیت و حساسیت آموزه‌های آل‌الْبیت علیهم‌السلام در عرصه قرآن و معارف قرآنی، در پی فراهم ساختن تفسیری با رویکردی متفاوت از جریسان حاکم، و در ساختاری روایی به نقل از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خاندان عصمت علیهم‌السلام بوده است. فرات، نخستین و شاید تنها فردی باشد که از او مجموعه‌ای روایی - تطبیقی در تفسیر و تأویل قرآن با این بافت و ترکیب خاص باقی مانده است.^۲ برخی راویان، به روایت این کتاب اقدام کردند و شگفت آنکه این راویان نیز مانند خود فرات ناشناخته و گمنام‌اند. این نوشتار با هدف شناساندن این میراث با ارزش شیعی، با اشاره‌ای گذرا به زندگی فرات، اندیشه او را به بحث گذاشته، در پایان روش تفسیری فرات را معرفی می‌کند.

۱. نام جد فرات در کتابهای سیدبن طاووس (الباقین و التحصین) اینگونه آمده است.
 ۲. پیش از فرات، تفاسیر متعددی وجود داشته است، اما تنها نامی از آنها باقی مانده است. بخش عظیمی از این سرمایه‌های شیعه در یورش‌های نظام‌های حاکم بارها مورد تعرض قرار می‌گرفته و گاه به نابودی کامل آنها منجر شده است. بخش‌هایی از این آثار، از سوی محققان، در حال بازیابی و بازسازی است. بخش قابل توجهی از این‌گونه منابع تا سه قرن نخست هجری در کتاب میراث مکتوب شیعه معرفی شده است: مدرسی طباطبایی، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، دفتر اول، ترجمه سید علی قرائی و رسول جعفریان، قم، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، ۱۳۸۳ ش.

ولادت و وفات

اینکه فرات در کدامین سرزمین ولادت یا وفات یافته، به روشنی پیدا نیست؛ تنها امر مسلم و قطعی، لقب «کوفی» او است. اگر کوفه زادگاه یا دست کم محل نشو و نما می فرات باشد، نقش و تأثیر شرایط فرهنگی و فکری حاکم بر این سرزمین، در نظام فکری و اعتقادی وی انکارناپذیر خواهد بود.

محققان به استناد قرآنی چون سالم‌رگ برخی از مشایخ فرات^۱ [جعفر بن محمد الفزاری (۳۰۰ق.)]، نتیجه گرفته‌اند که وی، تا پس از این تاریخ زنده بوده است.^۲ بنابراین باید امامت امام هادی (ع) (م. ۲۵۴ق.) و امام حسن عسکری (ع) (م. ۲۶۰ق.) را درک کرده باشد؛ البته اگر حداقل ۷۰ یا ۶۰ عمر کرده باشد.

به استناد قرآنی از این دست، دوران بالندگی، شکوفایی و ثمردهی علمی فرات در دوران غیبت صغرا^۳ بوده است؛ دوره‌ای - حدوداً هفتاد سال - که حد فاصل دوره حضور امامان (ع) تا دوره غیبت کبرا است و یکی از سخت‌ترین دوران شیعه به لحاظ فشارهای سیاسی و آشفتگی‌های فرهنگی بوده است. فرات در چنین شرایط و فضایی و با چنان دغدغه‌هایی می‌زیسته است. اما این فضا و شرایط کمترین بازتابی در کتاب وی ندارد و گاه که به مناسبت تفسیر برخی آیات، از «فائمه» سخن به میان می‌آورد، کوچک‌ترین اشاره‌ای به

۱. از جمله مشایخ وی، عبید بن کثیر متوفای ۲۹۴ق. است. یکی دیگر از مشایخ او حسین بن سعید اهوازی است. برخی از محققان معاصر بر آن‌اند که از زمان دقیق وفات حسین بن سعید اطلاعی در دست نیست. از آنجا که حسین بن سعید از اصحاب امام هادی (ع) بوده و تاریخ وفات ایشان سال ۲۵۴ ق. است، اجمالاً می‌توان گفت که حسین بن سعید مدتی قبل یا بعد از این تاریخ زنده بوده است. (ر.ک: عبدالله موحیدی محب، مقاله‌نگاهی به تفسیر فرات کوفی، مجله آینده پژوهش، پاییز ۱۳۷۸ش، ص ۳۴.

۲. Meir M. Bar-Asher, Scripture & Exegesis in Early Imami Shiism, BRILL, LEIDEN, ۱۹۹۹, p ۲۹.

برآشیر، به منابعی چون تنقیح المقال، روضات الجنات، فوائد الرضویة و الذریعة استناد کرده است. سخن وی درباره سالم‌رگ جعفر بن محمد الفزاری صحیح است، اما درباره زمان مرگ حسین بن سعید یقیناً به بیراهه رفته است؛ زیرا آقابزرگ تهرانی از زمان وفات حسین بن سعید سخن نگفته، بلکه در این کتاب بحث از همزمانی وفات فرات و علی بن ابراهیم قمی است که در سال ۳۰۷ هـ بوده است. (ر.ک: آقابزرگ محمد المحسن الطهرانی، رازی، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الطبعة الثالثة، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۳ هـ، ۱۹۸۳ م، ج ۴، ص ۲۹۸)

۳. براساس شواهد تاریخی، امام حسن عسکری (ع) در سال ۲۶۰ هـ وفات کردند. (ر.ک: باقر شریف قرشی، زندگی امام حسن عسکری (ع)، ترجمه سید حسن اسلامی، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲ش، ص ۲۷۷ - ۲۷۹) از همین زمان دوره غیبت صغرا آغاز و تا سال ۳۲۹ به طول انجامید. در این زمان، انواع بحران‌ها و آشفتگی‌ها، جامعه شیعی را فراگرفت، تا آنجا که از پیدایی و ظهور بیش از ۱۲ فرقه در آن دوره یاد کرده‌اند. (ر.ک: سعد بن عبدالله الأشعری، المقالات و الفرق، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، ۱۹۶۳ م، ص ۱۰۲).

غیبت و مسائل خاص آن نمی‌کند؛ در حالی که اوضاع حاکم بر آن دوره، در دیگر آثار مکتوب بازمانده از زمان وی، به روشنی قابل مشاهده است.^۱ البته در مباحث بعدی خواهیم دید که اساساً نگاه فرات به امامت با نگاه شیعه امامی تا حدودی فاصله دارد.

اندیشه و باور

بافت اجتماعی کوفه (حضور اقوام نبطی، سریانی، ایرانی و عرب)، هم‌زیستی ادیان ابراهیمی و نوآیین‌های بیگانه‌ای چون موالی و حمراء دیلم با سابقه زردشتی، و طیف گسترده‌ای از صحابیان بدری، تا برخی با پیشینه ارتداد و نیز فرصت‌طلبان غنیمت جو، و طبقات مختلف اقتصادی و فرهنگی، و دوری از مرکزیت اسلام، و غلبه روحیه نظامی‌گری، و از همه مهمتر سوء و ضعف حاکمیت در زمان عثمان، از این خطه، محیطی متفاوت از دیگر بلاد اسلامی ساخته بود. حضور امام علی علیه السلام در کوفه، اگرچه تغییراتی را رقم زد، اما جنگ‌های تحمیلی بر امام علیه السلام، هرگونه فرصتی را در این زمینه از امام سلب کرد. تا آنجا که همین مردم - که از ستم حاکمان به فغان آمده و خواستار خلافت علی علیه السلام بودند - وی را در سخت‌ترین شرایط تنها گذاشتند. تا اینکه امام علیه السلام به دست یکی از همین جاهلان متنسک و با توطئه برخی از مرتدان بی مرام به شهادت رسید. پس از شهادت امام علی علیه السلام و سپس شهادت حسین بن علی علیه السلام و در پوشش خونخواهی آن امام، جریان‌هایی از متن مردم این سرزمین برخاست.

در چنین اوضاعی، از مهم‌ترین و جدی‌ترین جریان‌هایی که از کوفه سربرآورد، جریان «غلو» بود.^۲ گرچه بنابر قولی آغاز غلو، در زمان امام علی علیه السلام بود، اما به دلایلی (از جمله برخورد قاطع امام در مقام حاکم) ظاهراً به محاق رفت؛ ولی بار دیگر در دوران امامت امام سجاد علیه السلام آغاز و در زمان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام به اوج خود رسید و تا زمان امام رضا علیه السلام ادامه یافت؛ تا آنجا که امامان علیهم السلام را به واکنش‌های مختلفی چون طعن و لعن، معرفی چهره‌های شاخص و برجسته آنها، افشای توطئه‌های آنان و تنبه و هشدار به شیعیان

۱. علی بن بابویه، الامامة و التبصرة من الحيرة، تحقیق محمدرضا الحسینی، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، الطبعة الثانية، بیروت، ۱۴۱۲هـ - ۱۹۹۲م.

۲. ر.ک: نگارنده، مجله مطالعات اسلامی، نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد، «بازشناسی اندیشه غلو»، شماره ۷۸، زمستان ۱۳۸۶.

و داشت. با این حال، آثار سوء برجای مانده از این جریان، هیچگاه از بین نرفت و افزون بر نفوذ در زوایای فکری و اعتقادی برخی از شیعیان، به مواریث امامان علیهم السلام و یاران ایشان نیز راه یافت و از همه مهم‌تر در ایجاد ذهنیت منفی نسبت به شیعه، نقش انکارناپذیری ایفا کرد. در این میان شکل‌گیری جریان‌هایی چون کیسانیه و زیدیه کاملاً طبیعی است. فرقه کیسانیه در پیدایی فرقه‌های دیگر و نهادینه شدن جریان «غلو»، نقشی محوری و تعیین‌کننده دارد.

از مهم‌ترین و فراگیرترین جریانات آن روز کوفه، دو گروه شیعی زیدیه و امامیه است که تناسب و قرابت بیشتری با یکدیگر دارند. هرچند، منازعاتی تند میان این دو گروه عمده شیعی، به خصوص در قرن دوم درباره «امامت»، در می‌گرفت، این گونه مباحث نه تنها موجب بروز مشکل برای هیچ یک از دو طرف این ماجرا نمی‌شد، بلکه عامل فربهی و غنای بیشتر مباحث و در نتیجه بنیان‌های فکری آنها بود.

گرایش زیدی فرات

فرات در کوفه و در مقطع حساس قرن سوم، به دلیل حاکمیت جریان زیدی در آن زمان و زمین، به این جریان گرایش یافته است. این ادعا به استناد برخی شواهد و قرائن از خود کتاب قابل اثبات است.

گویاترین شاهد در این میان، متن روایات کتاب فرات است که با آموزه‌های زیدیان، مشترکات و همسویی‌های فراوانی دارد. برخی از آموزه‌های زیدیه که در تفسیر فرات آمده است، به این شرح است:

۱. انحصار و اختصاص عصمت در اصحاب کسا

در این تفسیر، روایاتی هست که به صراحت یا اشاره، عصمت را در پنج تن، یعنی رسول اکرم صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام، فاطمه زهراء علیها السلام و حسین علیه السلام منحصر می‌کنند: صریح‌ترین روایت در بیان انحصار عصمت در اصحاب کسا و نفی آن از دیگران، در دو روایت زیر است. نخست ذیل آیه ۳۳ در سوره احزاب:

فرات... به صورت معنعن از علی بن قاسم از پدرش روایت می‌کند: شنیدم زید بن علی می‌گوید: *إنما المعصومون منا خمسة لا والله ما لهم سادس*. همان کسانی که آیه *«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ*

تَطَهَّرُوا دربارۀ آنان نازل شد؛ یعنی رسول الله و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام. اما ما اهل بیت به رحمت او امیدوار و از عذابش در خوف و هراسیم. نیکوکار ما دو اجر دارد و بدکار ما دو عذاب؛ همان‌گونه که به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله وعده داده شده است.^۱

در روایت نسبتاً بلندی ذیل آیه ۲۸ در سوره زخرف، با سندی دیگر از قول زیدبن علی آورده است:

... رسول خدا جد ما و مؤمن مهاجر پدر ما و همسرش خدیجه مادر ما و دخترش فاطمه مادر ما است.... خدا میان ما و کسی است که درباره ما غلو کند یا ما را در جایگاهی که حد ما نیست قرار دهد و درباره ما چیزی بگوید که ما درباره خود نمی‌گوییم. المعصومون منا خمسة: رسول الله و علی و الحسن و الحسين و فاطمة علیهم السلام و اما باقی ما اهل بیت گناه گناه می‌کنیم؛ همان‌گونه که مردم گناه می‌کنند و...^۲

روایات دیگری نیز در این زمینه، در این تفسیر وجود دارد.^۳

۲. ضرورت قیام امام به سیف

زید برای برخی یاران و هوادارانش نامه‌ای نوشته است که در واقع بیانیه اعلام مواضع او است. او با استشهاد به آیه ۳۳ سوره فصلت، (و من أحسن قولاً ممن دعا إلى الله و عمل صالحاً و قال إني من المسلمین) ضمن ارائه تحلیلی درباره مسائل روزگار خویش، با تأکید بر ضرورت حساسیت داشتن نسبت به انحرافها و ناهنجاری‌های حاکمان اموی، ضمن طلب یاری از مردم، آنان را به قیام علیه ظالمان فراخوانده است.^۴

«و امام واجب الطاعة از میان ما کسی است که با شمشیر خروج کند، به کتاب خدا و سنت رسولش فراخواند، احکام الهی را جاری سازد و...»^۵

۱. روایت ۴۶۴، ص ۳۳۹ و ۳۴۰.

۲. روایت ۵۳۶، ص ۴۰۲.

۳. ذیل آیه ۲۳، سوره شوری، روایت ۵۲۷، ص ۳۹۵ - ۳۹۷؛ ذیل آیه ۳۳، سوره احزاب، روایت ۴۵۱، و ۹ روایت پس از آن، ص ۳۳۱ و ۳۳۲.

۴. روایت ۵۱۲، ص ۳۸۲ - ۳۸۴.

۵. روایت ۶۲۰، ص ۴۷۴ و ۴۷۵؛ نیز ر.ک: روایت ۵۳۶، ص ۴۰۲.

۳. باور نداشتن به امامت ائمه اثنی عشر
هیچ روایتی در این کتاب نیست که به امامان دوازده‌گانه علیهم‌السلام اشاره کند؛ در حالی که روایات شیعه در این زمینه، دست کم در حد استفاضه است.

قرائن سندی

راویان بسیاری در اسناد این تفسیر قرار دارند؛ اما هیچ‌گونه اطلاعات و اخباری درباره آنان در منابع رجالی شیعه امامی وجود ندارد. همچنین نام راویانی که گرایش زیدی آنها محرز است، در شمار مشایخ فرات به چشم می‌خورد. آشکارترین چهره‌های زیدی روایتگر در اسناد این تفسیر عبارتند از:

- زیدبن علی. بیش از ۲۹ بار نامش در اسناد روایات آمده است.
- حسین بن حکم الحبري. صاحب تفسیر الحبري و از مشایخ فرات. فرات حدود ۷۰ بار از وی روایت کرده است.^۱
- أبو خالد واسطی.
- از ۲۷ راوی که ابن داوود به عنوان راویان زیدی معرفی کرده است، نام ۱۱ نفر از آنان در اسناد روایات تفسیر فرات آمده است: الحسن بن صالح بن حی، زیاد بن المنذر أبو الجارود، الحکم بن عتیبة أبو محمد الکندي، عامر بن کثیر السراج، عبادة بن زیاد الأسدي، عمرو بن جمیع البصری، غالب بن عثمان الهمدانی الشاعر المشاعری أبو سلمة، قیس بن الربیع، کثیر النواء، مقاتل بن سلیمان، یحیی بن سالم الفراء.
- شمار این راویان در قیاس با کل راویان در این تفسیر، چندان چشمگیر نیست؛ اما بسیاری از راویان مجهول این تفسیر براساس قرائن زیدی‌اند که نامشان در منابع رجالی امامیه نیامده، اما در منابع رجالی زیدی، نام بسیاری از این راویان، مذکور است.

قرائن دیگر

استمرار و تداوم حضور فرات تا قرن پنجم، از طریق روایاتش در آثار بعدی، قرینه دیگری است. با یاد آوری این نکته که تمام عالمان به چنین امری مبادرت نداشتند و تنها شیخ

صدوق بود که به جهت نگرش خاصی (برقراری ارتباط با دیگر عالمان غیر امامی) نام و برخی روایات فرات را در آثار خود آورده است. (ذاترة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «صدوق»، ج ۳، ص ۶۵)

حسکانی از معدود عالمانی است که به رغم گرایش به اهل بیت علیهم السلام، در شمار عالمان اهل سنت قرار دارد و بعید نیست که توجه او به فرات نیز به دلیل گرایش زیدی وی بوده است.

کتاب فضل زیارة الحسين که عالمی زیدی نگاشته است و نقل از فرات در چنین کتابی، می‌تواند تأییدگر همسویی و همسازی آنها باشد.

از مجموع ۲۴ روایت در کتاب‌های شیخ صدوق، ۲۱ روایت از طریق حسن بن محمد بن سعید الهاشمی، و ۳ روایت از طریق احمد بن حسن قطان، نقل شده است. اگرچه حسن بن محمد در شمار مشایخ صدوق است، اما آیه الله خویی، وی را مجهول دانسته‌اند. (معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواه، ج ۶، ص ۱۲۵ و ج ۱۴، ص ۲۷۲) از این رو، بعید نیست که وی نیز از راویان زیدی باشد که برای عالمان رجال ما ناشناخته است. به علاوه؛ هرچند عامی بودن احمد بن الحسن القطان مورد تردید قرار گرفته است، اما ظاهراً آیه الله خویی دلیل موجهی در این خصوص دارد. (همان، ج ۲، ص ۹۲)

تحلیلی بر موضع زیدی فرات

دسترسی به اصول و مبانی فکری شیعه تا زمان امام باقر و امام صادق علیهم السلام برای همگان و به صورت گسترده امکان‌پذیر نبود؛ تا آنجا که بر اساس برخی گزارش‌ها، شیعه پیش از امام باقر علیهم السلام احکام خود را از «ناس»^۱ فرا می‌گرفتند. تا این که امام باقر علیهم السلام برای تعلیم احکام اقدام فرمود.

شیعه در کوفه شرایطی کاملاً متفاوت با دیگر بلاد اسلامی داشت. علاوه بر دوری از مدینه، عدم دسترسی به امام، فشارها و تنگناهای سیاسی و گونه‌گونی آراء و اندیشه‌ها، هنجارهای ناهنجار، خاطره تلخ شهادت امام حسین علیهم السلام، قیام‌های خونخواهانه‌ای چون توابین، مختار و سرانجام قیام زید بن علی و بعدها غیبت و مسائل خاص آن و... حاصلی

۱. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۷۲۴؛ عیاشی، تفسیر، ج ۱، ص ۲۵۲. مراد از «ناس» در این روایت و اساساً در لسان روایات، «اهل سنت» است.

جز تحیر، سرگستگی، بحران و تفرقه نداشت. در واقع آشفتنگی و تشتت آراء، برجسته‌ترین ویژگی این سرزمین بود. اوضاع و احوالی این چنین، وجود گرایش‌های مختلف را - که در عین حال به نوعی در پیوند با اهل بیت علیهم‌السلام هم بودند - طبیعی و موجه می‌نمود؛ به گونه‌ای که شیعه به‌رغم اختلاف در برخی مسائل، بدون مرزبندی‌هایی که امروزه معنا دارند، در تعامل با یکدیگر قرار داشتند و ظاهراً تنها جریان زنده، فعال و پویایی که حال و هوایی شیعی داشت و می‌توانست تکیه‌گاه و روزنه‌امیدی برای مردم آن سامان به‌شمار آید، زیدیه بود. از این رو است که برخی گفته‌اند: «اکثر رواتنا فی الکوفه الزیدیون». (الامامیه و الزیدیه، ص ۲۷۷)

فرات نیز حاصل چنین اوضاع و احوالی بود. همچنان که از بافت و ترکیب روایات کتاب او پیدا است، نوعی آمیختگی و ناسازگاری در آن به چشم می‌خورد؛ به گونه‌ای که اگر کسی با این فضا آشنا نباشد، چنین ترکیبی برایش قابل درک و توجیه نخواهد بود. او فقط روایاتی را که صبغه زیدی دارند، نقل نکرده است؛ بلکه روایاتی - هر چند اندک - در این کتاب هست که نه تنها با برخی آموزه‌های زیدیه ناسازگار، بلکه در تقابل با آنها است؛ از جمله روایات ۱۶۷، ۵۱۳ که به ضرورت رعایت تقیه اشاره دارند، و روایات ۴۲۳ - ۴۲۵ و ۵۰۷ که در آنها از وصایت علی علیه‌السلام سخن رفته است. حال آنکه از اصول اعتقادی زیدیان، عدم باور به «وصایت» در تعیین جانشین از سوی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و نیز عدم باور به تقیه است.

با این حال، فرات هرگاه به روایتی برخورد می‌کند که با روح تشیع همخوانی دارد، در نقل آن تردیدی به خود راه نمی‌دهد. این سخن با تحقیقی که به افتراق کامل این دو گروه در سال ۳۲۹ اشاره دارد، نیز همسو و سازگار است. (همان، ص ۲۷۴ - ۲۷۸) چه بسا دلیل اعتماد بزرگانی مانند صدوق، مجلسی و میرزا محمدباقر خوانساری به وی نیز از همین منظر باشد.

البته تمام این مطالب به شرطی صحیح و مصاب است که اصل انتساب تمام روایات این کتاب به فرات صحیح باشد؛ در غیر این صورت پیدا نیست که این تصرفات از سوی چه کسانی و با چه اهدافی صورت پذیرفته است؟

گرایش غالیانه

برخی از محققان معاصر در عرصه تاریخ فرق و ملل و نحل، گویاترین نشان غلو را نگاه فرابشری به امامان (علیهم السلام)، می‌دانند. برخورداری از علم نامحدود و تفاوت در آفرینش را نیز از نشانه‌های غلو دانسته‌اند. این‌گونه معانی غالباً در قالب روایاتی تأویلی، نقل و گزارش می‌شوند. تأویلی بودن روایات تفسیر فرات، فرضیه گرایش غالیانه مفسر را مطرح ساخت.

باید گفت وجود اوصافی چون: «ظاهر و باطن» یا «تأویل و تنزیل» برای آیات، از باورهای همگانی مذاهب است. در شیعه نیز این باور به روایاتی صحیح از امامان باقر و صادق (علیهم السلام)، مستند است. در نتیجه بنیان‌چنین گمانی که روایات تأویلی، از مختصات گرایش غالیانه است، سخت لرزان و ناستوار است.

به هر روی، غالب روایات در تفسیر فرات، روایاتی تأویلی‌اند و در برخی از آنها بر جنبه‌های فرابشری امامان (علیهم السلام) تصریح شده است.

برخی از این روایات (روایات شماره ۱۷۹، ۱۸۹، ۲۳۰، ۲۳۵، ۲۹۳، ۳۵۷، ۴۲۴، ۴۵۱، ۶۶۷) ناظر بر علم امام (به معنای عالم به ماکان و مایکون و ماهو کائن) هستند. برخی (روایات ۲۹۰، ۳۹۴، ۴۳۵، ۶۶۲، ۶۸۱) به خلقت نوری پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امامان (علیهم السلام) اشعار و اشاره دارند. روایات ۵۷، ۸۹، ۱۴۶ و ۴۱۲، بیانگر خلقت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) و علی (علیهم السلام) از گلی متفاوت از دیگر مخلوقات‌اند و سرانجام روایات ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۲۷۲، ۲۷۹، ۴۶۸، ۵۰۳، ۵۹۳ درباره معراج و عالم ذر هستند. روایت ۶۹۹ نیز درباره عالم مثال است. به علاوه ۴۳ روایت درباره عرش که مجموع آنها ۷۳ روایت می‌شود.

در تحلیل اسناد این روایات، نکات جالبی به چشم می‌خورد.

در گروه نخست (به جز روایات عرش):

۴ - روایت به نقل از ابن عباس آمده است که تنها، سند یکی از آنها جزء اسناد ضعیف ابن عباس است.

۹ - روایت غیر متصل به معصوم (علیهم السلام) است؛ به نقل از حذیفة بن یمان، ابوذر، ابن مسعود، عطاء بن ابي رباح، ابو بصیر، عمر بن یزید، بریده، ابو وائل السهمی، قبیصة بن یزید الإفريقي.

۱۶ - روایت متصل به معصوم (علیهم السلام) است.

- در ترکیب راویان این روایات، رجالیان تنها درباره سلیمان دیلمی (غالی) و عبید بن

کثیر (وضّاع) اتفاق نظر دارند. در مورد برخی دیگر از آنها (مفضل بن عمر و جعفر بن محمد الفزازی) گزارش‌ها مختلف است. یکی از روایان، حسین بن سعید اهوازی از روایان خوش‌نام و موثق است. باقی روایان در شمار روایان مجهول‌اند. بیشتر اشاره شد که بخشی از این گروه، عموماً روایان زیدی‌اند که نام‌شان در منابع شیعه امامی نیامده و دلیلی بر ضعف و قدح آنان در اختیار نداریم.

تحلیل اسناد روایات گروه دوم (۴۳ روایات درباره عرش) نیز از این قرار است:

۷- روایت به نقل از غیر معصوم (۳ مورد ابن عباس و ۴ مورد دیگران) است.

۱- مورد به نقل از راوی متهم به غلو از معصوم علیه السلام است.

- غالب روایات به نقل از روایان مجهول است.

بدین سان بر پایه معیارهای نقد اسناد، در مورد این روایات حکم قاطعی نمی‌توان داشت. در واقع داوری بر اساس نوع روایان، درباره این روایات، قضاوتی ناتمام است. افزون بر این که آمار به دست آمده از حال روایان این کتاب، به خصوص در ارتباط با اتهام غلو، به جد قابل تأمل است. از مجموع ۷۰۰ راوی حاضر در این کتاب، حدود ۲۰۰ راوی موثق و ممدوح و تنها ۱۰۰ راوی، ضعیف‌اند. از این میان، فقط ۱۱ نفر در شمار روایان غالی یا متهم به غلو و شگفت آنکه در روایات موهم به غلو در این کتاب، این گروه از روایان (غالی) محور نقل نیستند. البته این سخن، به معنای نادیده گرفتن ضرورت بررسی‌های رجالی درباره روایان نیست؛ چه، بی شک، استواری و سلامت سند^۱ را می‌توان به عنوان پشتوانه محکمی برای قبول متن این گونه روایات به شمار آورد.

اما درباره نقد متن و محتوای روایات، باید گفت نقد و تحلیل این گونه روایات، راهکارهای متناسب با خود را می‌طلبد؛ زیرا بنیان روایات تأویلی، بر نوعی گذر از قالب‌های مشخص در روایات تفسیری، استوار است، و تنها راه تحلیل این روایات از طریق دستیابی به تواتر معنوی آنها است؛ یعنی همان راهی که برخی عالمان معاصر پیموده‌اند.

۱. گفتنی است تفسیر فرات در شکل فعلی‌اش به آفت ارسال مبتلا است و این آسیب به گونه‌ای فراگیر در سراسر کتاب به چشم می‌خورد؛ اما به استناد قرآنی از این تفسیر و برخی یافته‌های دقیق در مطالعات معاصران، تمام روایات کتاب یا دست کم غالب آنها، در اصل مسند بوده است؛ اگرچه این اسناد، از سوی راوی ناشناخته کتاب، به منظور اختصار، حذف گردیده و اینک بخش اعظم روایات آن (بیش از ۸۰٪) شکل مرسل یافته‌اند. از سوی دیگر بخش معنابهی از روایان این کتاب (حدود ۷۰٪) در شمار روایان مهمل قرا دارند، که این خود، عامل دیگری در افزایش سطح ارسال در این کتاب است.

آنچه برای این عالمان، در بررسی این روایات اهمیت دارد، پیام کلی این گونه روایات است، نه متن یا سند تک تک آنها، که از طریق سبر و تقسیم منطقی یا تنقیح مناظ اصولی، قابل دستیابی است. البته آنانی که علاوه بر تخصص، و آگاهی در زمینه‌های مختلف - از جمله حدیث‌شناسی و قرآن‌شناسی - از مراتب بالای تقوا برخوردارند، روایات عرش، خلقت نوری و مانند آنها را تضعیف نکرده‌اند.

در این شیوه، توجه به سند و حال راویان بیشتر در مواردی است که محتوای روایت به هیچ روی قابل توجیه نباشد. در این صورت به دلیل ضعف راوی، آن روایت مردود می‌گردد. در این شیوه فقط روایتی طرد می‌شود که در تعارض شدید با بدیهیات عقلی و اصول اعتقادی باشد. در چنین رویکردی، چه بسا علت اتهام برخی از راویان به ضعف، غلو و فساد مذهب، در گذشته، باور این گروه از راویان به عقایدی از این دست (علم امام، خلقت پیامبر ص از ماده‌ای دیگر و...) بوده باشد. بدین رو برخی از عالمان که در مراتب بالایی نبودند و توان درک و هضم این گونه مطالب را نداشتند، بر راویانی که اهل سبر برخی امامان علیهم السلام بودند، خرده گرفته و به نقد آنان برخاسته و در نهایت، به ضعف و غلو آنها حکم کرده‌اند؛ حال آنکه مجموعه‌های روایی ما آکنده است از روایات این راویان. نکته مهم دیگر این است که هیچ سخن صریح و روشنی از امامان علیهم السلام در زمینه نقد یا رد این روایان به دست ما نرسیده است؛ بلکه روایاتی دال بر تأییدهای صریح و ضمنی آنها در دست است.

شاید دلیل این تفاوتها در روایات، تفاوت سطح و درک مخاطبان باشد.

گواه این ادعا، این سخن معصوم علیه السلام است: ... قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ حَدِيثَ آلِ مُحَمَّدٍ صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ لَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ عَبْدٌ ائْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِالْإِيمَانِ فَمَا وَرَدَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَدِيثِ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام فَلَا تَنْتَهُوهُ ...^۱

در روایتی دیگر، امام علیه السلام، از رازگویی خود با برخی از صحابیان می‌گویند:

... قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّ عِنْدَنَا وَاللَّهِ سِرًّا مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَعِلْمًا مِنْ عِلْمِ اللَّهِ

۱. صحیح الصالح، نهج البلاغه، تهران، مرکز البحوث الإسلامية، ۱۳۹۵هـ، خطبه ۲۳۱؛ محمدبن یعقوب کلینی، ترجمه اصول کافی، مترجم: صادق حسن زاده، قم، نشر صلوات، ۱۳۸۳ش، ج ۲، ص ۲۸۲-۲۸۳، حدیث ۱۰۴۷؛ عز الدین ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، کتابخانه آیه الله المرعشی، ۱۳۳۷هـ، ج ۶، ص ۱۲۹؛ تفسیر فرات، ص ۵۴-۵۶ و نیز ص ۱۱۴-۱۱۵.

وَ اللَّهُ مَا يَحْتَمِلُهُ مَلَكَ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَلَا مُؤْمِنٌ اِمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيَانِ وَ اللَّهُ مَا كَلَّفَ اللَّهُ ذَلِكَ أَحَدًا غَيْرَنَا وَلَا اسْتَعْبَدَ بِذَلِكَ أَحَدًا غَيْرَنَا وَ إِنَّ عِنْدَنَا سِرًّا مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَ عَلِيمًا مِنْ عِلْمِ اللَّهِ أَمَرْنَا اللَّهَ بِتَبْلِيغِهِ فَبَلَّغْنَا عَنْ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا أَمَرْنَا بِتَبْلِيغِهِ فَلَسَّمْ نَجْدَلَهُ مُوضِعًا وَ لَا أَهْلًا لَا حِمَالَهُ يَحْتَمِلُونَهُ حَتَّى خَلَقَ اللَّهُ لِدَلِكِ أَقْوَامًا خَلَقُوا مِنْ طِينَةِ خَلْقٍ مِنْهَا. (کافی، ج ۲، ص ۲۸۴، حدیث ۱۰۵۱)

نیز از همین باب است که معصوم علیه السلام به تفاوت سلمان و ابوذر اشاره می‌کند: ... فَقَالَ وَ اللَّهُ لَوْ عَلِمَ أَبُو ذَرٍّ مَا فِي قَلْبِ سَلْمَانَ لَقَتَلَهُ وَ لَقَدْ آخَى رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بَيْنَهُمَا فَمَا ظَنُّكُمْ بِسَائِرِ الْخَلْقِ إِنَّ عِلْمَ الْعُلَمَاءِ صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ لَا ... (همان، ص ۲۸۲، حدیث ۱۰۴۸)

روش‌شناسی کتاب

تفسیر فرات از جمله قدیمی‌ترین تفاسیر ماثور برجای مانده از قرن سوم و اوایل قرن چهارم است. مفسر، به ذکر روایت یا روایاتی ذیل برخی آیات قناعت کرده، هیچ‌گونه تفسیر و اظهارنظری درباره‌ی روایت یا آیه ندارد؛ اگرچه نوع گزینش و اختیار روایات را می‌توان به نوعی اعمال رأی مفسر به شمار آورد. (نگاهی دیگر به تفسیر اثری، مجله علوم حدیث، سال دوازدهم، ص ۱۲۳) این کتاب نیز، همانند بسیاری دیگر از آثار برجای مانده از گذشته، دارای غث و سمین و نیازمند جرح و تعدیل، تنقیح و جداسازی سوره از ناسره است.

این اثر و آثار نظیر آن نشانه آن است که این روش در بیان و تبیین آیات، از قدمت و دیرینگی برخوردار و نیز شیوه‌ای متعارف و متداول بوده است. مفسر در این تفسیر به گستردگی از روایات تأویلی، از نوع تطبیق بر مصادیق یا جری بهره جسته است.

در دوره‌های اخیر از این روایات با عنوان روایات «جری» و «تطبیق» یاد می‌کنند. در نگاه عالمان، روایاتی که بیانگر «جری و تطبیق» آیات‌اند، در عین حال «تفسیر باطن» نیز محسوب می‌شوند و در عمل، تفکیک آنها از یکدیگر کار چندان ساده‌ای نیست. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۴۷؛ ج ۸، ص ۲۹۰؛ ج ۱۶، ص ۵۷) اگرچه برخی روایات، تنها بیانگر باطن و برخی دیگر در پی معرفی مصادیق‌اند و گاهی نیز به هر دو امر اشاره دارند، اما در نهایت تمام آنها تحت عنوان «تاویل» جای می‌گیرند. برخی بر این باورند که در تفسیر فرات، بیشتر روایات از مقوله «تطبیق»‌اند، نه تفسیر. (نگاهی به تفسیر فرات کوفی، مجله آینه پژوهش، ۱۳۷۸ش، ص ۴۵)

نسخه منقح و مصحح این تفسیر^۱

شیخ کاظم محمودی، محقق فاضل کتاب، مقدمه‌ای عالمانه و مبسوط در آغاز آن نگاشته است. در این مقدمه، چگونگی آغاز کار تحقیق و نحوه دستیابی به نسخه‌های کتاب فرات^۲، گزارش شده است. آنگاه درباره فرات، جایگاه او در میان عالمان، دلایل زیدی بودنش، عوامل نابودی آثار برخی عالمان کوفی، سخن می‌گوید. معرفی کتاب، بیان علل عدم طرح فرات و کتابش، قرن‌ها در دسترس نبودن آن^۳ و... از مطالب دیگر مقدمه است. این روند با گزارشی مبسوط درباره ترتیب کتاب، بیان آشفته‌گی نسخه‌ها به جهت پراکندگی روایات هر سوره و تداخل برخی از آنها در سوره‌های دیگر، چگونگی اسانید روایات، دخل و تصرف‌هایی که در اسناد صورت گرفته، گزارش شیوه‌های اصلاحی در بهسازی این اختلالات و معرفی کامل نسخه‌هایی که در اختیار داشته و چگونگی بهره‌گیری از آنها در این تحقیق، گزارش سخن عالمان متأخر درباره فرات، ادامه می‌یابد و سرانجام نام حدود ۱۲۰ استاد^۴ و تعدادی از شاگردان وی را برمی‌شمارد.

اما متن کتاب در دو بخش سامان یافته است: الف. مقدمه‌ای کوتاه؛ ب. متن اصلی.

مؤلف ناشناس مقدمه، سخن کوتاهش را با شهادت به وحدانیت ذات پاک الهی و عبودیت، بندگی و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آغاز و با درود بر ایشان و برگزیدگان خاندانش (علی علیه السلام، مهدی (عج)، حسنین علیهم السلام و ائمه ابرار علیهم السلام) ادامه می‌دهد. پس از معرفی کتاب، با این عبارت که «این تفسیر آیات قرآن به روایت از ائمه علیهم السلام است» سند خود را به آن،

۱. نسخه موجود، نسخه‌ای محقق از آقای شیخ کاظم محمودی، از عالمان سرزمین عراق است، و وزارت ارشاد اسلامی آن را چاپ کرده است.

۲. محقق، از ۸ نسخه مختلف خطی این کتاب و دو نسخه چاپی نجف و افسس ایران، که در کتابخانه‌های مختلف وجود دارد، استفاده کرده است.

نسخه کتابخانه امیر المؤمنین علیه السلام در نجف اشرف (نگاشته آغاز قرن ۱۴)؛

نسخه کتابخانه آیه الله بروجردی (نسخه میرزای نوری)، (نگارش ۱۰۸۳ ق.) که بهترین نسخه است؛

نسخه احمدبن محمدرضا علوی حسینی خوانساری در کتابخانه «نجله» قم (نوشته ۱۳۲۶)؛

نسخه مدرسه فیضیه قم (اوائل قرن ۱۱)؛

نسخه کتابخانه رضوی مشهد (بدون تاریخ)؛

نسخه کتابخانه روضانی در اصفهان (قرن ۹ یا ۱۱)؛

نسخه کتابخانه ملک در تهران (در سال ۹۰۹)؛

۳. ظاهراً هیچ یک از عالمان متقدم (غیر از الحسکانی) این کتاب را در اختیار نداشته‌اند.

۴. در این کتاب نام ۱۲۶ نفر از مشایخ فرات آمده است، اما نام برخی از آنان به گونه‌های مختلف تکرار شده و تعدادی از آنها هم، به هیچ روی شناسه‌ای ندارند تا موجب تمیز آنها شود.

این گونه بیان کرده است:

أخبرنا أبو الخیر مقداد بن علی الحجازی المدنی قال حدثنا أبو القاسم عبدالرحمن العلوی الحسینی قال حدثنا الشيخ الفاضل أستاذ المحدثین فی زمانه فرات بن ابراهیم الكوفی رحمة الله علیه قال حدثنی محمد بن سعید بن رحیم الهمدانی و محمد بن عیسی بن زکریا قالا حدثنا عبدالرحمن بن سراج قال حدثنا حماد بن أعین عن الحسن بن عبد الرحمن عن الأصبع بن نباته عن أمير المؤمنين علی عليه السلام ...

ظاهراً محقق محترم کتاب، با افزودن چند روایت در پی این مقدمه کوتاه، تلاش کرده است پیش از ورود به روایات هر سوره، این بخش را به صورت پیشگفتار سامان دهد. از این رو با طرح عناوینی، روایات را که جنبه عام‌تری داشتند، ذیل این عناوین آورده است. (اگرچه هیچ نشانه و علامتی که گویای چنین تصرفی از سوی ایشان باشد در متن وجود ندارد):

عنوان نخست، «قال أمير المؤمنين عليه السلام: انزل القرآن علی أربعة أرباع» است و با ذکر سند یادشده از راوی کتاب، آغاز می‌شود و ۲ روایت از اصبع بن نباته، با تفاوتی مختصر و سلسله اسنادی مختلف، آمده است. ذیل عنوان دوم (قال ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم): إن الله تعالى أنزل في علي كرائم القرآن) روایتی شبیه دو روایت قبل آمده است. در ادامه، ۶ روایت وجود دارد که معنای مشترک آنها این است که «هر آنچه در قرآن «یا ایها الذین آمنوا» هست، سرآمد و پیشتاز آن، علی عليه السلام است.» با اسنادی مختلف و متونی نزدیک به هم و گاه مشابه. در نهایت با کلامی کوتاه از امام صادق عليه السلام دربارهٔ جهر رسول خدا به «بسم الله الرحمن الرحيم» این مقدمه، ناگهان پایان می‌پذیرد. روشن نیست این روایت آیا ذیل روایت قبلی است، یا بحثی جدید است، که در این صورت نیاز به سند دارد.

بدین ترتیب بر اساس نخستین سند مندرج در آغاز، این کتاب با سه واسطه به فرات می‌رسد، که از واسطه نخست («نا» در آخرین) هیچ نام و نشانی سراغ نداریم، جز اینکه به استناد شهادتش در این مقدمه، باید او را شیعه امامی به شمار آورد. واسطه دوم، گرچه نامش در سند مذکور است، اما از نظر رجالی ناشناخته است و در هیچ منبعی از او سخن نرفته است. واسطه سوم، عبدالرحمن بن محمد بن عبدالرحمن العلوی الحسینی یا الحسنی است که از شاگردان فرات و شیخ استاد شیخ صدوق (محمد بن حسن بن سعید الهاشمی) است. هر چند، وی نیز به لحاظ رجالی فرد شناخته‌شده‌ای نیست، به دلیل کثرت حضورش

در اسناد روایات، مورد توجه برخی از عالمان قرار گرفته است.

متن تفسیر

این تفسیر یک جلدی، از مجموع هفتصد و هفتاد و اندی روایت با محوریت «تطبیق برخی آیات بر اهل بیت (علیهم السلام) و به ویژه علی (علیه السلام)»، تشکیل شده است. از این رو چه بسا بتوان آن را «تفسیری موضوعی» به شمار آورد.

راوی تنها آیاتی را آورده است که ذیل آنها روایاتی در شأن اهل بیت (علیهم السلام) داشته است. همچنین از اکثر سوره‌های قرآن، آیه یا آیاتی انتخاب شده است؛ به جز سوره‌های دخان، نوح، تحریم، مزمل، انفطار، بروج، طارق، اعلی، علق، قارعه، همزه، فیل، قریش، ماعون، مسد و طلاق.

گاه برای برخی از آیات یک سوره و گاهی تنها برای بخشی از یک آیه، روایاتی ذکر گردیده است.^۱ گاه برای تمام آیات یک سوره، روایاتی آورده است^۲ و گاهی هم هیچ آیه‌ای از سوره مشخص نشده و تنها در متن روایت، برخی از آیات آن سوره منظور شده است.^۳ ظاهراً در نسخه‌های قبلی (مثل چاپ نجف) نام برخی سوره‌ها، به گونه‌ای دیگر بوده و محقق کتاب، آن نام‌ها را نیز آورده است؛ مثلاً سوره حمد، با عنوان «فاتحة الكتاب»، سوره اسراء (بنی اسرائیل)، سوره غافر (مؤمن)، سوره فصلت (حم السجده: فصلت)، سوره شوری (حم عسق)، سوره قمر (اقتربت)، سوره قلم (ن و القلم)، سوره معارج (سال سائل)، سوره انسان (الدهر)، سوره نبا (عم)، سوره تکویر (کورت)، سوره انشقاق (انشقت)، سوره انشراح (الم نشرح)، سوره زلزال (الزلزلة)، سوره تکاثر (الهاکم)، سوره نصر (فتح).

تعداد روایات این تفسیر، متفاوت گزارش شده است. در نسخه چاپ نجف، ۷۶۶ روایت شمارش شده، و در نسخه محقق، شمارگان ۷۷۵ روایت است. اما باید گفت محقق محترم در روایت شماره ۸۱، پس از ذکر بخشی از روایت، در حالی که ناتمامی روایت آشکار است، شماره ۸۲ را آورده‌اند. مورد دوم لغزش، در شمارش پیاپی است که بعد از

۱. این قسم بیشترین بخش روایات را تشکیل می‌دهد.

۲. مثل سوره‌های انشراح و قدر.

۳. مثل سوره‌های لیل، ضحی، تین، بینه، زلزال، عادیات، عصر، کوثر، کافرون، نصر، اخلاص، فلق و ناس.

۵۰۹، شماره ۵۱۱ قرار می‌گیرد! همچنین پیدا نیست چرا گاهی برای یک روایت، دو شماره متوالی قرار گرفته است؛ مثل ۱۹۵ و ۱۹۶. ضمن اینکه روایاتی که با عنوان «بهذا الإسناد» درج شده است، گاه شمرده و گاه به حساب نیامده‌اند. بنابراین، نمی‌توان این شمارش را دقیق تلقی کرد.

تقریباً تمام روایات کتاب همراه سندند؛ اما این اسناد، عموماً دچار آسیب‌ها و مشکلات مختلفی هستند. بیشترین و در عین حال مهم‌ترین آسیبی که بخش اعظم اسناد روایات این کتاب بدان مبتلا است، «ارسال» است که به گونه‌های متفاوت بروز یافته است: گاه در ابتدای سند، گاه در میانه روایت و گاه در انتهای سند پدیدار شده است. صرف‌نظر از اختلافی که در نامیدن این گونه روایات وجود دارد^۱ و نیز پایین بودن سطح دقت این نامگذاری‌ها، مسئله مهم این است که این نامگذاری‌ها در اعتبار این روایات تأثیر چندانی ندارد. به بیان دیگر، آنها را با هر وصفی بنامیم، نتیجه‌اش که ضعف روایت است، یکسان خواهد بود. حال اگر معنعن بودن روایات را که در نظر برخی ضعف به شمار می‌آید، به این مجموعه بیفزاییم، نتیجه به مراتب بدتر خواهد بود.

محقق کتاب در این رابطه می‌نویسد:

پیش از این گفتیم که کسی جز حسکانی، از عالمان متقدم، به تفسیر فرات دسترسی نداشته است؛ از ویژگی‌های نسخه‌ای از کتاب فرات که نزد حسکانی بوده، نیز چیزی نمی‌دانیم، جز آنکه مسند بوده است و اغلب مواردی که از نسخه حسکانی در تفسیر فرات نقل شده - غیر از یک مورد - در نسخه ما وجود دارد. اما نسخه‌ای که هم اکنون در دست ما است، عموماً اسانیدشان حذف شده‌اند؛ به جز تعدادی روایت در آغاز و بخشی در میانه کتاب، و چندی نیز در پایان آن که به صورت مسند هستند...^۲ از سویی نسخه‌ای از تفسیر که در اختیار مجلسی بوده و ایشان بدان اعتماد داشته، نیز، اسنادش (همانند نسخه‌ای که در اختیار ما هست) محذوف بوده است. بنابراین نسخه علامه، شبیه خلاصه‌ای از تفسیر فرات است که از سوی کسی که اهل فن نبوده و شیوه علمی این کار را نمی‌دانسته، تهیه شده است. پس

۱. وجود اختلاف در نامیدن این گونه روایات را بنگرید: جعفر سبحانی، اصول الحدیث و احکامه فی علم الدراية، الطبعة الثانية، قم، مؤسسة الإمام الصادق (ع)، ۱۴۱۹ هـ، ص ۱۰۲ - ۱۰۵.

۲. ص ۱۵.

می‌توان گفت نسخه علامه مجلسی، نسخه‌ای ناقص و مشوش است. اما نسخه‌ای که در دست ما است، به روایت ابی‌الخیر مقدادبن علی از ابی‌القاسم عبدالرحمن علوی از فرات است. این سند که در آغاز کتاب آمده، در پایان آن نیز وجود دارد. بنابراین، مقدمه ابتدای کتاب، ظاهراً از فرات بن ابراهیم نیست و در کتاب هیچ نکته، حاشیه یا سخنی از سوی فرات وجود ندارد. درباره حذف اسانید کتاب هم باید گفت، پیدا نیست از چه زمانی این امر تأسف‌بار به وقوع پیوسته است. اگر از جهتی به نسخه حسکانی - که مسند است - بنگریم و در تسلسل سندی کتاب فراتی که در اختیار ما هست دقت کنیم و از سوی دیگر به تاریخ نسخه‌هایی که امروزه موجود است، توجه کنیم، که قدیمی‌ترین آنها تاریخشان به ۵ قرن پیش باز می‌گردد، در خواهیم یافت که چه بسا محدوده زمانی‌ای که تغییرات و حذف‌ها در اسناد روایات این تفسیر رخ نموده، زمانی میان قرن پنجم تا دهم بوده است...^۱

برخی از عالمان متأخر نیز بر این باورند که گاهی قطع اسناد روایات، از سوی راوی کتاب، برای رعایت اختصار بوده است؛ زیرا شواهدی گویای مسند بودن روایات در آغاز امر بوده است.^۲

با دقت در شیوه به کار رفته در نسخه فعلی، روند آوردن سند روایات به این ترتیب است:

از ابتدا تا روایت ۵۱ - به جز روایات ۹ و ۲۴ که دارای تعبیر معنعنانند - سند به طور کامل ذکر شده است.

از شماره ۵۲ به بعد، پس از ذکر نام شیخ فرات، اسناد با تعبیر «معنعنا» به کار رفته‌اند. این روند تا پایان سوره آل عمران (روایت ۸۷) ادامه دارد. در آغاز سوره نساء باز یک روایت با سند کامل، آمده و از روایت ۸۹ تعبیر «معنعنا» در سند آشکار شده تا روایت

۱. ص ۱۶.

۲. مسلم داوری، اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، تقرير محمد علی المعلم، بی‌جا، نشر المؤلف، ۱۴۱۶ هـ. ص ۲۸۹؛ الحسين بن الحكم الحبري، تفسير الحبري، تحقيق محمدرضا الجلالی، بیروت، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۰۸ هـ، ص ۲۱۰. ایشان هیچ اشاره‌ای به این شواهد گویا نکرده‌اند.

۵۱۱. از شماره ۵۱۲ تا شماره ۵۷۷؛ دوباره اسناد، به صورت کامل آمده‌اند. و از شماره ۵۷۸ به بعد تعبیر «معننا» در اسناد روایات تا پایان کتاب تکرار شده است.^۲ بدین‌سان از مجموع ۷۷۵ روایت کتاب، تقریباً اسناد ۱۵۰ روایت، به صورت مسند و غیرمنقطع آمده است. (حدود ۱۹٪)

در نقل تعدادی از روایات، اساساً نامی از فرات در میان نیست.^۳ و بخش قابل توجهی از روایات به نقل از ابن عباس است و در برخی موارد آن، معلوم نیست طریق فرات به وی چگونه است.^۴ اندکی از روایات به نقل از ابی هریره آمده است؛^۵ همچنان که برخی از روایات نیز از راویان اهل سنت نقل شده است.^۶

ویژگی دیگر این تفسیر تکرار برخی از روایات است.

۱. در این میان، تعدادی از روایات با سند کامل وجود دارند: روایات ۷۶، ۸۳، ۹۷، ۹۹، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۴۲، ۱۵۰، ۱۵۷، ۱۷۱، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۱۷، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۶، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۵۱، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۷۸، ۲۹۵، ۳۰۲، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۵، ۳۲۶، ۳۲۸، ۳۳۶، ۳۴۰، ۳۴۴، ۳۵۳، ۳۵۶، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۱، ۳۹۳، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۸، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۴، ۴۲۶، ۴۳۴، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۴، ۴۸۰، ۴۸۳، ۴۸۶، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۵۰۰، ۵۰۴، ۵۰۶، ۵۰۸، ۵۰۹. (مجموعاً ۸۰ روایت)
۲. در این بخش نیز برخی سندها کامل بودند: ۶۰۲، ۶۰۹، ۶۱۲، ۶۱۵، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۶، ۶۲۹، ۶۳۶، ۶۴۰، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۷، ۶۵۱، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۹، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۷، ۶۸۰، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۹۸، ۷۱۳، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۴، ۷۲۷، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۶۲، ۷۶۴، ۷۶۸، ۷۷۱، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵. (جمعا ۴۷ روایت)
۳. روایات شماره ۵۸۳، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۸، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۴، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۳۰، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۶۶، ۶۷۳، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۹۱، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۳، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۲۷، ۷۳۱، ۷۳۵، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۱.
۴. در صفحات ۴۸، ۴۹، ۵۳، ۵۷، ۵۹، ۶۰، ۶۵، ۶۶، ۶۹، ۷۱ (۲ بار)، ۷۲، ۷۷، ۸۹، ۹۰، ۹۶، ۹۸، ۹۹، ۱۰۱، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۱ (۲ بار)، ۱۳۴، ۱۳۵ (۳ بار)، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۵، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۹۳، ۲۰۷، ۲۰۸ (۳ بار)، ۲۰۹، ۲۲۱، ۲۲۴، ۲۴۸ (۲ بار)، ۲۴۹، ۲۶۱، ۲۷۳، ۲۸۸ (۲ بار)، ۲۹۲، ۲۹۷، ۳۱۵ (۲ بار)، ۳۱۶، ۳۱۸، ۳۲۳، ۳۲۷ (۳ بار)، ۳۲۸ (۲ بار)، ۳۳۱، ۳۴۰، ۳۴۴، ۳۵۵ (۳ بار)، ۳۵۶، ۳۵۹، ۳۸۹، ۳۹۰ (۳ بار)، ۳۹۱ (۲ بار)، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۲۳، ۴۵۱، ۴۵۹، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۸، ۴۷۷، ۴۷۹، ۴۸۱، ۴۸۳، ۴۹۰، ۴۹۱ (۲ بار)، ۴۹۵، ۵۰۰، ۵۱۲، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۴۶، ۵۵۲ (۲ بار)، ۵۵۶ (۲ بار)، ۵۶۹ (۲ بار)، ۵۷۵، ۵۸۴.
۵. روایت ۳۸۷، ص ۲۸۷؛ شماره ۶۶۱، ص ۵۰۳؛ شماره ۶۹۰، ص ۵۳۹.
۶. علی بن الحزور، روایت شماره ۸، ص ۵۰؛ محمد بن مروان السدی، شماره ۱۰، ص ۵۱؛ محمد بن الفضیل بن غزوان، شماره ۳۱، ص ۶۵؛ علی بن عباس، شماره ۴۴، ص ۷۱. روایت شماره ۳۷۹ را بخاری، مسلم و ترمذی در کتاب خود آورده‌اند. عبدالعزیز العمی البصری، شماره ۵۷۰، ص ۴۳۳؛ عبدالله بن عبدالقدوس و موسی بن مسیب در شماره ۵۶۳، ص ۴۲۷ و ...

آیات تفسیر شده

آیاتی از هر سوره، که فرات ذیل آنها روایت یا روایاتی آورده است، به این شرح است:

حمد: آیات ۶ و ۷، یک روایت.

بقره، آیات ۲۵، ۲۶، ۳۰، ۳۳ - ۳۱، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۳، ۸۲، ۹۰، ۹۸، ۱۲۴، ۱۳۸، ۱۴۳، ۱۷۷، ۱۸۵، ۱۸۹، ۱۹۹، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۳، ۲۶۵، ۲۷۴، ۲۸۵:

حدود ۳۹ روایت.

آل عمران، آیات ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۷، ۶۱ - ۵۹، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۱۲، ۱۲۸، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۷۲، ۱۸۶، ۲۰۰: تقریباً ۳۸ روایت.

نساء، آیات ۱، ۲۹، ۳۱، ۳۶، ۴۷، ۴۸، ۵۴، ۵۵، ۵۸، ۵۹، ۶۹، ۸۰، ۸۳، ۱۱۹، ۱۵۹، ۱۷۴: ۳۳ روایت.

مائده، آیات ۳، ۵، ۱۱، ۳۲، ۳۷، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۶۷، ۸۷: ۳۵ روایت.

انعام، آیات ۲۸، ۴۴، ۴۵، ۵۴، ۸۲، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۵۳، ۱۵۸، ۱۶۰: ۱۴ روایت.

اعراف، آیات ۴۰، ۴۴، ۴۶، ۶۵، ۷۳، ۸۵، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۷۲: ۱۸ روایت.

انفال، آیات ۱، ۶، ۱۱، ۴۱، ۴۲، ۶۶، ۷۵: ۷ روایت.

توبه، آیات ۱۲ - ۱، ۱۶، ۱۷، ۲۲ - ۱۹، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۱۱، ۱۱۹: ۳۲ روایت.

یونس، آیات ۱۵، ۲۵، ۳۲، ۵۸، ۹۴: ۸ روایت.

هود، آیات ۷، ۱۲، ۱۷، ۴۰، ۵۰، ۶۱، ۸۴، ۸۶، ۹۸، ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۱۶: ۲۱ روایت.

یوسف، آیات ۳۸، ۷۶، ۸۰، ۱۰۰، ۱۰۶، ۱۰۸: ۱۳ روایت.

رعد، آیات ۷، ۱۱، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۳۷: ۲۲ روایت.

ابراهیم، آیات ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۳۵، ۳۷: ۱۰ روایت.

حجر، آیات ۴۰، ۴۲، ۴۷، ۷۲، ۷۵، ۸۷: ۹ روایت.

نحل، آیات ۱۶، ۲۴، ۳۲، ۴۳، ۶۸، ۶۹، ۸۹، ۹۰: ۱۱ روایت.

بنی اسرائیل (اسراء)، آیات ۲۶، ۳۳، ۴۱، ۴۴، ۴۶، ۶۴، ۶۵، ۷۳، ۷۴: ۸ روایت.

کهف، آیات ۱۷ و ۸۲: ۴ روایت.

مریم، آیات ۶۷، ۸۵، ۹۶، ۹۷: ۱۲ روایت.

طه، آیات ۳۵ - ۲۵، ۵۴، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵: ۱۱ روایت.

- انبیاء، آیات ۷، ۲۴، ۶۹، ۷۳، ۸۷، ۱۰۳: ۶ روایت.
- حج، آیات ۲۴ - ۱۹، ۲۷، ۴۰، ۴۱، ۴۵، ۷۳، ۷۵، ۷۷، ۷۸: ۱۲ روایت.
- مؤمنون، آیات ۵۱، ۶۱ - ۵۷، ۹۵ - ۹۳، ۱۰۱: ۶ روایت.
- نور، آیات ۳۵، ۳۶، ۴۰، ۴۱، ۵۲، ۵۵، ۶۳: ۱۲ روایت.
- فرقان، آیات ۸، ۹، ۴۴، ۵۴، ۷۶ - ۶۳: ۷ روایت.
- شعراء، آیات ۴، ۱۰۲ - ۱۰۰، ۲۱۴، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۷: ۱۳ روایت.
- نمل، آیات ۶۴ - ۶۰، ۸۲، ۸۹، ۹۰: ۶ روایت.
- قصص، آیات ۵، ۶، ۴۴، ۴۶: ۸ روایت.
- عنکبوت، آیات ۱، ۲، ۵، ۶، ۱۸، ۴۳، ۴۹، ۶۹: ۸ روایت.
- روم، آیات ۴، ۵، ۳۰، ۳۸: ۷ روایت.
- لقمان، آیه ۱۴: ۱ روایت.
- سجده، آیات ۲۰ - ۱۸، ۲۴: ۷ روایت.
- احزاب، آیات ۶، ۳۰، ۳۳، ۵۶، ۷۲: ۱۹ روایت.
- سبا، آیات ۴۶: ۴ روایت.
- فاطر، آیات ۳۵ - ۳۲، ۴۱: ۶ روایت.
- یس، آیات ۱۳، ۱۴: ۳ روایت.
- صافات، آیات ۲۴، ۱۳۰، ۱۴۳، ۱۶۴، ۱۶۶: ۶ روایت.
- ص، آیات ۲۸، ۶۲، ۶۳، ۶۴: ۴ روایت.
- زمر، آیات ۹، ۲۹، ۳۰، ۵۳، ۵۶، ۶۰، ۶۵: ۱۲ روایت.
- مؤمن، آیات ۷، ۲۸، ۵۱: ۵ روایت.
- فصلت، آیات ۵ - ۱، ۳۰، ۳۴: ۴ روایت.
- حم عسق (شوری)، آیات ۱۳، ۲۳، ۴۱، ۴۲، ۵۲: ۲۱ روایت.
- زخرف، آیات ۱۹، ۲۸، ۴۱، ۴۲، ۵۹ - ۵۷، ۷۰ - ۶۸، ۸۷: ۱۶ روایت.
- جاثیه، آیات ۲۱ - ۱۴: ۱ روایت.
- احقاف، آیات ۱۳، ۱۵: ۱ روایت.
- محمد ﷺ، آیات ۱۵، ۱۷، ۳۳: ۳ روایت.
- فتح، آیات ۲، ۴، ۱۰، ۱۸، ۲۵، ۲۹: ۵ روایت.

حجرات، آیات ۳، ۴، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۳: ۱۲ روایت.

ق، آیات ۱۹، ۲۴: ۹ روایت.

ذاریات، آیات ۹ - ۵، ۳۶: ۳ روایت.

طور، آیه ۲۱: ۳ روایت.

نجم، آیات ۴ - ۱، ۹، ۳۲، ۵۶: ۸ روایت.

قمر، آیات ۳۶، ۵۰، ۵۵: ۳ روایت.

الرحمن، آیات ۲۲ - ۱۹، ۳۹، ۴۶ - ۶۶: ۶ روایت.

واقعه، آیات ۱۴ - ۷، ۱۷، ۳۳: ۶ روایت.

حدید، آیات ۱۲، ۲۱، ۲۸: ۳ روایت.

مجادله، آیه ۱۲: ۴ روایت.

حشر، آیات ۷، ۹، ۱۰، ۲۰: ۷ روایت.

ممتحنه، آیه ۱: ۱ روایت.

صف، آیات ۴، ۹، ۱۴: ۳ روایت.

جمعه، آیات ۲، ۹، ۱۱: ۳ روایت.

منافقون، آیه ۸: ۱ روایت.

تحریم، آیه ۴: ۱۰ روایت.

ملک، آیه ۲۷: ۵ روایت.

قلم، آیات ۶ - ۱: ۵ روایت.

الحاقه، آیه ۱۲: ۸ روایت.

معارض، آیات ۱، ۲: ۴ روایت.

جن، آیات ۱۶ - ۱۴: ۵ روایت.

مدثر، آیات ۴۸ - ۳۸: ۴ روایت.

قیامه، آیات ۱۶، ۳۴ - ۳۱: ۲ روایت.

دهر، آیات ۷، ۸، ۳۰، ۳۱: ۸ روایت.

مرسلات، آیه ۴۸: ۱ روایت.

نبا، آیات ۳ - ۱، ۳۸: ۴ روایت.

نازعات، آیات ۶، ۷: ۱ روایت.



عبس، آیات ۳۴، ۳۵، ۳۶: ۱ روایت.

تکویر، آیات ۷، ۸، ۹: ۶ روایت.

مطففین، آیات ۲۸ - ۷، ۳۶ - ۲۹: ۶ روایت.

انشقاق، آیه ۸: ۱ روایت.

غاشیه، آیات ۲، ۳، ۴، ۵، ۲۵: ۴ روایت.

فجر، آیات ۳۰ - ۲۷: ۴ روایت.

بلد، آیات ۱، ۲، ۱۱، ۱۲، ۱۳: ۵ روایت.

شمس، آیات ۱، ۲، ۳، ۴، ۹: ۸ روایت.

لیل، تمام آیات: ۴ روایت.

ضحی، آیات ۷ - ۵: ۶ روایت.

انشراح، تمام آیات: ۵ روایت.

تین، تمام آیات: ۶ روایت.

قدر، تمام آیات: ۲ روایت.

بینه، آیه ۷: ۹ روایت.

زلزال، آیه ۴: ۱ روایت.

عادیات، آیات ۱، ۲، ۳: ۴ روایت.

تکواثر، آیه ۸: ۳ روایت.

عصر، آیه ۳: ۱ روایت.

کوثر، آیه ۱: ۲ روایت.

کافرون، تمام آیات: ۱ روایت.

نصر (فتح)، تمام آیات: ۴ روایت.

اخلاص، تمام آیات: ۱ روایت.

فلق، تمام آیات: ۱ روایت.

ناس، تمام آیات: ۱ روایت.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

منابع

۱. آقابزرگ الطهرانی الرازی، محمد المحسن، (۱۴۰۳ق)، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، بیروت: دار الأضواء، الطبعة الثالثة.
۲. ابن أبی الحدید، عزالدین ابو حامد، (۱۳۳۷ق)، شرح نهج البلاغة، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: نشر کتابخانه آیه الله المرعشی.
۳. ابن بابویه، علی بن الحسین، (۱۴۱۲ق)، الإمامة و التبصرة من الحيرة، تحقیق محمدرضا الحسینی، بیروت: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، الطبعة الثانية.
۴. ابن داوود الحلبي، تقی الدین الحسن بن علی، (۱۳۴۲ش)، کتاب الرجال، تحقیق جلال الدین الحسینی (محدث)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. اردوبادی، محمد علی، (۱۳۵۴ق)، تفسیر فوات کوفی، نجف اشرف: بی نا.
۶. الأشعری القمی، سعد بن عبدالله، (۱۹۶۳م)، المقالات و الفرق، تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطائی.
۷. التستری، محمد تقی، (۱۴۲۵ق)، قاموس الرجال، قم: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، الطبعة الثالثة.
۸. الجبری، الحسین بن الحكم بن مسلم، (۱۴۰۸ق)، تفسیر الجبری، تحقیق السيد محمدرضا الحسینی الجلالی، بیروت: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
۹. الحسکانی النیسابوری، عبیدالله بن احمد الحاکم، (۱۴۱۱ق)، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآيات النازلة فی أهل البيت علیهم السلام، تحقیق محمد باقر المحمودی، مؤسسة الطبع و النشر التابع لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی.
۱۰. الخوی، ابوالقاسم، (۱۴۱۳ق)، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، قم: منشورات مدينة العلم، الطبعة الخامسة.
۱۱. داوری، مسلم، (۱۴۱۶ق)، اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، تقرير محمد علی علی صالح المعلم، نشر المؤلف، بی جا.
۱۲. سبحانی، جعفر، (۱۴۱۹ق)، أصول الحديث و أحكامه فی علم الدراية، قم: مؤسسة الإمام الصادق علیه السلام، الطبعة الثانية.
۱۳. شریف قرشی، باقر، (۱۳۸۲ش)، زندگی امام حسن عسکری علیه السلام، ترجمه سیدحسن

- اسلامى، قم: دفتر انتشارات اسلامى، چاپ پنجم.
۱۴. صبحى، الصالح، (۱۳۹۵ق)، نهج البلاغه، تهران: مركز البحوث الإسلامية.
۱۵. _____، (۱۹۹۱م)، علوم الحديث و مصطلحه عرض و دراسة، بيروت: دار العلم للملايين، الطبعة الثامنة عشرة.
۱۶. الطباطبائى، محمدحسين، الميزان فى تفسير القرآن، قم: منشورات جماعة المدرسين فى الحوزة العلمية، بی تا.
۱۷. الطوسى محمد بن الحسن بن على، (۱۳۴۸ش)، اختيار معرفة الرجال، مشهد: مركز مطالعات و تحقيقات دانشكده الهيات و معارف اسلامى.
۱۸. _____، (۱۴۱۵ق)، رجال الطوسى، تحقيق جواد القيومى الإصفهاني، قم: مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين.
۱۹. العلوى الشجرى الزيدى الكوفى، محمد بن على بن الحسن أبو عبدالله، (۱۴۰۳ق)، فضل زيارة الحسين عليه السلام، تحقيق السيد أحمد الحسينى، قم: نشر مكتبة آية الله المرعشى.
۲۰. العملى، السيد محمد بن حمود، (۱۴۲۷ق)، الزيدية و الامامية جنباً إلى جنب...، قم: مركز الأبحاث العقائدية.
۲۱. العياشى، محمد بن مسعود، تفسير العياشى، تحقيق السيد هاشم الرسولى المحلاتى، تهران: المكتبة العلمية، بی تا.
۲۲. فرات كوفى، فرات بن ابراهيم، (۱۴۱۰ق)، تفسير فرات كوفى، تحقيق كاظم المحمودى، تهران: چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، الطبعة الأولى.
۲۳. القاسمى، محمد جمال الدين، (۱۳۵۳ق)، قواعد التحديث من فنون مصطلح الحديث، بيروت: دار الكتب العلمية.
۲۴. القمى المشهدى، محمد بن محمدرضا، (۱۳۶۸ش)، كنز السدائق و بحر الفرائب، تحقيق حسين درگاهى، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامى.
۲۵. مامقانى، عبدالله، تنقيح المقال، چاپ سنگى، ابواب فاء.
۲۶. مدرسى طباطبائى، حسين، (۱۳۸۳ش)، ميراث مكتوب شيعه از سه قرن نخستين هجرى دفتر اول، ترجمه سيد على قرائى و رسول جعفریان، قم: كتابخانه تخصصى تاريخ اسلام و ايران.

۲۷. _____، (۱۳۷۵ش)، مکتب در فرایند تکامل، نظری بر تطور مبانی فکری تشیع در سه قرن نخستین، ترجمه هاشم ایزدپناه، نیوجرسی، بی‌نا.
۲۸. النجاشی، احمد بن علی بن احمد بن العباس، (۱۴۰۷ق)، فهرست اسماء مصنفی الشيعة، تحقیق السيد موسى الشبیری الزنجانی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی لجماعة المدرسين.
۲۹. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، (۱۳۸۳ش)، ترجمه اصول کافی، مترجم صادق حسن‌زاده، قم: نشر صلوات.

Meir M. Bar-Asher, Scripture & Exegesis in Early Imami Shiism, BRILL, LEIDEN, ۱۹۹۹.

مقالات

۱. پاکتچی، احمد، (۱۳۶۹ش)، مدخل «صدوق»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳.
۲. یستر، مارک، (۱۳۷۹ش)، مقاله «نوع جدیدی از تاریخ - میشل فوکو و نظریه عدم استمرار در تاریخ»، فلسفه تاریخ، زیر نظر حسنعلی نودری، تهران: انتشارات طرح نو.
۳. جلیلی، سید هدایت، (۱۳۸۶ش)، «نگاهی دیگر به تفسیر اثری» مجله علوم حدیث، سال دوازدهم، شماره ۴۳.
۴. الحسینی الجلالی، السید محمد رضا، (۱۴۲۳ق)، مقاله «الامامیة و الزیدیة یدا بیدا فی حماية تراث اهل بیت (علیهم‌السلام)»، مجلة علوم الحدیث (العربی)، سال ششم ذوالحجّة، شماره ۱۲.
۵. موحدی محب، عبدالله، (۱۳۷۸ش)، مقاله «نگاهی به تفسیر فرات کوفی»، مجله آینه پژوهش، پاییز.